



مقاومت تنها راهکار پیش برنده راهبرد استکبارستیزی

امام خمینی(ره) مقاومت و استکبارستیزی را دو روی یک سکه می‌دانند که براین مبنا استکبارستیزی به واسطه قانون الهی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر و به عبارتی راهبرد غیرقابل تغییر نظام سیاسی برخاسته از دین است و تنها راهکار پیشبرد این راهبرد گزینه‌ای جز مقاومت فعال و تهاجمی تا نابود کردن ریشه‌های استکبار نیست.

امام خمینی(ره) مقاومت و استکبارستیزی را دو روی یک سکه می‌دانند که براین مبنا استکبارستیزی به واسطه قانون الهی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر و به عبارتی راهبرد غیرقابل تغییر نظام سیاسی برخاسته از دین است و تنها راهکار پیشبرد این راهبرد گزینه‌ای جز مقاومت فعال و تهاجمی تا نابود کردن ریشه‌های استکبار نیست.

امام خمینی (ره)

«جهاد، مقاومت و استکبارستیزی» عنوان روز دوشنبه، ۲۱ بهمن در میان روزهای ایام الله دهه فجر است. هر سه کلیدواژه از جمله پرتکرارترین واژه‌ها در بیانات و کلام امام خمینی(ره) است که به نوعی پیوند ناگسستنی با هم دارند و امام(ره) همواره جهاد و مقاومت را تنها راهکار مبارزه با استکبار بیان کرده‌اند.

ضرورت مقابله و مبارزه با استکبار در اندیشه امام(ره) از رویکرد الهی و جهان بینی توحیدی ایشان نشئت می‌گیرد. در این جهان بینی همه قدرت از آن خداست و هر قدرتی غیر از او که بخواهد بر انسان‌ها سلطه پیدا کند، استکبار محسوب می‌شود، و لذا مقابله با استکبار مقابله با خوبی غیرالهی و به عبارت بهتر ضد خدایی است.

به همین جهت است که امام(ره) بر مبنای همان رویکرد و جهان بینی الهی صحنه جهانی را صحنه تقابل حق و باطل، خیر و شر و مستضعف و مستکبر دانسته و می‌فرمایند: «...تا قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد.» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۲، ص ۱۴۷).

مبارزه با استکبار؛ راهبرد، نه تاکتیک

در واقع مستکبران تا جامعه و نظام اسلامی را به طور کامل تحت سلطه خود قرار ندهند میدان مبارزه را ترک نمی‌کنند و لذا مقاومت و تداوم مبارزه برای رهایی از این سلطه و وابستگی از دو قدرت شرق و غرب راهبرد کلان نظام اسلامی در مقابل جبهه استکبار است و براین مبنا امام(ره) این مبارزه را یک تاکتیک یا برای زمانی کوتاه نمی‌دیدند.

به پشتوانه همین نگاه الهی است که ایشان سایر مستضعفان عالم را به قیام علیه مستکبران فراخوانده و می‌فرمایند: ««هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.» (همان، ج ۱۵، ص ۱۷۱) یا در جای دیگر چنین بیان می‌دارند که «سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپاخیزند؛ بلکه مستضعفین بپاخیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند، امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند.» (همان، ج ۷، ص ۲۹۲).

استکبارستیزی ضرورتی برخاسته از سنت الهی

این سخن نشانه اعتقاد راسخ امام(ره) به آیات قرآن و ایمان و باور به قانون و سنت الهی غلبه نهایی مستضعفان بر مستکبران است که باعث شد استکبارستیزی در اندیشه امام(ره) شکل گرفته و در متن قانون اساسی و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی شکل عملیاتی به خود بگیرد؛ «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی؛ مان بارها اعلام نموده‌ایم؛ ایم که درصد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصد خشکانیدن ریشه؛ های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم؛ ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند؛ اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت‌های در بند شاهد آن خواهند بود.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۱)

به همین دلیل امام(ره) به هیچ وجه قائل به سازش و تسلیم در برابر استکبار نبودند و هر گام عقب نشینی در مقابل آن ها را منجر به جری تر شدن مستکبران به دلیل همان خوی استکباری و زیاده خواهی آنان می دانستند؛ «عموم مستضعفین باید به هم پیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی‌رحم؛ فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند. (همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴)

مقاومت؛ نسخه منطقی استکبارستیزی

این چنین نگاه راسخ و محکمی در برابر استکبار نیازمند داشتن یک راهبرد ایجابی منطقی و برخاسته از متن دین است که آن هم نسخه ای جز مقاومت و جهاد نیست. در واقع می توان گفت استکبارستیزی و مقاومت در اندیشه امام(ره) دو روی یک سکه اند و مقاومت در مقابل سازش تنها راه مقابله با جبهه مستکبرین است. به همین دلیل است که ایشان مبارزه با استکبار را به منزله نبردی تاریخی تا نابودی استکبار تبیین می کنند و لذا مقاومت نیز تا زمان نابودی استکبار باید همچنان ادامه پیدا کند؛ «جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم.» (پیام امام (ره) پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

ایشان در تبیین این مقاومت و ابعاد فراملی آن در مبارزه با استکبار به عنوان یک الگوی ایجابی و فعال می فرمایند: «ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می شده است را شکسته ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته ایم. از هر عادل‌تری دفاع می کنیم و بر هر ظالمی می تازیم.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰)

مقاومت؛ الگوی جهانی

به عبارتی این بیان امام(ره) حکایت از این دارد که الگوی مقاومت یک الگوی صرفاً مربوط به داخل ایران نیست و هر جای جهان که ظلم و استکبار در یک سو و مظلوم و مستضعف در سوی دیگر قرار دارد انقلاب نیز در آنجا حاضر است و به دفاع از مظلوم می پردازد. کلام دیگری از امام(ره) که جهانی شدن الگوی مقاومت را به خوبی تبیین می کند این سخن است که فرمودند: «از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۲)

نکته مهم این است که مقاومت در اندیشه امام(ره) تنها مربوط به دوران جنگ نیست بلکه شاکله زندگی جامعه اسلامی را دربرمی گیرد. در واقع برگرفته از سخن ایشان که «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم.» مقاومت ادامه خواهد یافت و هیچ گاه پایان جنگ نباید جامعه اسلامی را به سمت راحت طلبی و دنباطلبی سوق داده و از معنویت و مقابله با استکبار باز دارد؛ «ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی خواهیم. ما تمدنی را می خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه، صلح را حفظ نماید. ابرقدرت ها می خواهند انسانیت انسان ها را تحت سلطه قرار دهند و ما و شما و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آن ها بایستد و سازش نکند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۰)

براین مبنا می توان گفت ضرورت مقاومت و استکبارستیزی در تفکر امام خمینی(ره) بدین جهت است که جبهه کفر و استکبار به دنبال به ذلت کشاندن انسان، لگدمال کردن کرامت بشر و تسلط کامل بر اوست و این مسئله ای است که در نگاه اسلامی به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست و انسان به مثابه خلیفه خدا که کرامتش را از خدا دریافت کرده نمی تواند و نباید تحت سلطه انسان های دیگر قرار بگیرد. لذا منطق مقاومت، جهاد و استکبارستیزی در این اندیشه، علاوه بر اینکه از ارزش های الهی برخاسته یک منطق انسانی و مورد قبول فطرت و عقل سالم و پاک بشری است.